

مروری بر وضعیت تجاری ایران با تاکید بر پیوستن به سازمان تجارت جهانی

رابطه پیچیده ای میان تجارت و توسعه اقتصادی کشورها برقرار است. تجارت و سرمایه گذاری مستقیم خارجی فواید بسیاری را از طریق پرورش نیروی کار بین المللی و اکتساب پیشرفت های تکنولوژیکی برای کشورها به همراه می آورد که منجر به رشد اقتصادی آنها می شود و در نهایت به توسعه کشورها می انجامد (لامی، ۲۰۰۰). تحقیقات اقتصادی و داده های تجربی فوایدی را که در نتیجه پیوستن کشورهای در حال توسعه به اقتصاد جهانی نصیب آنها خواهد شد، به تصویر می کشند. آنچه در اغلب آنها به چشم می خورد رابطه میان تجارت، رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. اگرچه تجارت مولفه ای ضروری برای توسعه کشور محسوب می شود، اما کافی به نظر نمی رسد. اثر بخشی نتایج مثبت آزاد سازی تجاری در صورت افزایش توان تجاری کشورهای در حال توسعه نمایان خواهد شد. در این راستا، برخی از کشورها عضویت در سازمان تجارت جهانی و بهره مندی از حمایت های این سازمان بین المللی را به عنوان رویکردی در جهت تقویت توانمندی تجاری و افزایش سهم خود در زنجیره ارزش افزوده جهانی برگزیده اند، اما این کشورها پیش از عضویت در سازمان تجارت جهانی توانسته اند تا حدودی زیرساخت های داخلی و توان دیپلماسی تجاری خود را بهبود دهند و موانع تجاری خود را از میان بردارند.

با توجه به اهمیت آزادسازی تجاری و ضرورت عضویت در سازمان تجارت جهانی، کشور ایران نیز در تاریخ ۱۹ ژوئای ۱۹۹۶ درخواست خود را برای عضویت به این سازمان ارسال نمود. در ۲۶ می ۲۰۰۵ (معادل ۵ خرداد ۱۳۸۴) کارگروهی در سازمان تجارت جهانی به منظور بررسی درخواست ایران تشکیل شد.^۲ اکنون ۱۰ سال از تشکیل این کارگروه می گذرد و ایران به دلیل اعمال تحریم ها و عدم برخورداری از شرایط لازم برای الحاق به سازمان تجارت جهانی همچنان به عنوان عضو ناظر این سازمان تلقی می گردد.

علاوه بر رفع موانع و مشکلات قانونی تجارت، یکی از مهم ترین گام هایی که برای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی باید برداشته شود، ساماندهی تعرفه های تجاری کشور است. بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی^۳، حدود ۷۰ درصد خطوط تعرفه ای محصولات کشاورزی و بیش از ۶۰ درصد تعرفه محصولات صنعتی ایران، نرخ تعرفه واردات بالای ۵ درصد دارند. مادامی که چنین ارقام بالایی برای خطوط تعرفه ای کشور وضع می شود، امکان الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی وجود نخواهد داشت. تحقق این امر مستلزم تغییر سیاست های تعرفه ای، فراهم ساختن زیرساخت های تجاری، صنعتی، فناوری و سرمایه گذاری لازم خواهد بود. علاوه بر این، بهتر است بخش های آسیب پذیر اقتصادی که توان رقابت پذیری نسبتا پایینی دارند، شناسایی گردند و مطابق قوانین سازمان تجارت جهانی مورد حمایت قرار گیرند.

در راستای مطالب عنوان شده، این گزارش تصویری کلی از وضعیت تجاری کشور بر اساس آخرین اطلاعات در دسترس ارائه می کند و وضعیت تعرفه ای ایران را با سایر کشورهای جهان مورد مقایسه می دهد. در نهایت، به ضرورت الحاق و منافع حاصل از عضویت کشورهای در حال توسعه در سازمان تجارت جهانی اشاره می شود.

^۱ Lamy

^۲ https://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/a1_iran_e.htm (24 may 2015)

^۳ World Tariff Profiles 2013

سهم ایران از تجارت جهانی

بر اساس آمارهای سازمان تجارت جهانی، کشور ایران با صادرات کالایی ۸۸,۸ میلیارد دلار، ۴۷,۰ درصد از مجموع صادرات جهان را در سال ۲۰۱۴ به خود اختصاص داده که این مقدار نسبت به سال ۲۰۱۳، ۶,۸ درصد بهبود یافته است. ارزش صادرات کالایی ایران در سال ۲۰۱۴ در مقایسه با سال ۲۰۱۳ با رشد ۷,۶ درصدی همراه بوده است. بیش از ۷۰ درصد صادرات کالایی ایران در سال ۲۰۱۳ مربوط به سوخت و محصولات معدنی و حدود ۲۱ درصد متعلق به کالاهای صنعتی می باشد.

در سال ۲۰۱۴، ۵۲ میلیارد دلار کالا وارد کشور ایران شده است که سهم آن از کل ارزش واردات جهانی حدود ۰,۲۷ درصد بوده است که با توجه به رشد ۶,۱ درصدی واردات ایران، سهم ایران در واردات جهانی نیز از ۰,۲۶ درصد در سال ۲۰۱۳ با افزایش جزئی به ۰,۲۷ درصد در سال ۲۰۱۴ رسیده است. از ۴۹ میلیارد دلار کالای وارداتی به ایران در سال ۲۰۱۳، ۵۹ درصد مربوط به کالاهای صنعتی و حدود ۳۰ درصد مربوط به محصولات کشاورزی است. جدول (۱) ارزش صادرات و واردات کالایی ایران و سهم آن از کل جهان را در سال های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نشان می دهد.

جدول ۱- تجارت خارجی (کالا) ایران

صادرات کالا (۲۰۱۴)		واردات کالا (۲۰۱۴)	
ارزش به میلیارد دلار	۸۸,۸	ارزش به میلیارد دلار	۵۲
سهم از کل صادرات جهان (درصد)	۰,۴۷	سهم از کل واردات جهان (درصد)	۰,۲۷
سهم گروه های کالایی اصلی ۲۰۱۳ (درصد)		گروه های کالایی اصلی ۲۰۱۳ (درصد)	
محصولات کشاورزی	۶,۹	محصولات کشاورزی	۲۹,۷
سوخت و محصولات معدنی	۷۰,۶	سوخت و محصولات معدنی	۲,۴
ساخت (محصولات صنعتی)	۲۰,۹	ساخت (محصولات صنعتی)	۵۹,۱
تغییرات سالانه صادرات (درصد)		تغییرات سالانه واردات (درصد)	
۲۰۰۵-۲۰۱۲	۵	۲۰۰۵-۲۰۱۲	۳
۲۰۱۲	-۲۱	۲۰۱۲	-۸
۲۰۱۳	-۲۱	۲۰۱۳	-۱۴
۲۰۱۴	۶,۸	۲۰۱۴	۶,۱

منبع: سازمان تجارت جهانی

شاخص تجارت فرامرزی

بانک جهانی هر ساله ده حوزه مختلف چرخه کسب و کار را در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار می دهد و بر اساس وضعیت فضای کسب و کار به رتبه بندی کشورها می پردازد. یکی از مهم ترین حوزه هایی که در این زمینه مورد توجه قرار می گیرد، شاخص تجارت فرامرزی است. بر اساس آخرین گزارش کسب و کار بانک جهانی^۴، کشور

^۴ Doing Business 2015

معاونت بررسی های اقتصادی

ایران از نظر این شاخص در جایگاه ۱۴۸ (در میان ۱۸۹ کشور جهان) قرار گرفته است که موید سقوط ۷ پله ای ایران نسبت به گزارش پیشین بانک جهانی می باشد. بانک جهانی به منظور محاسبه شاخص تجارت فرامرزی در کشورهای مختلف جهان از هشت زیرشاخص استفاده می کند که در جدول ۱ نشان داده شده اند. زیرشاخص های تجارت فرامرزی ایران با متوسط کشورهای عضو OECD و کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا مقایسه شده است.

جدول ۱- زیرشاخص های تجارت فرامرزی در ایران و متوسط کشورهای عضو OECD و خاورمیانه و شمال آفریقا

شاخص ها	ایران	کشورهای OECD	خاورمیانه و شمال آفریقا
تعداد اسناد مورد نیاز برای صادرات	۶	۴	۷
زمان مورد نیاز برای صادرات (روز)	۱۹.۴	۱۰.۵	۲۵.۰
هزینه صادرات (دلار به ازای هر کانتینر)	۱،۱۶۶	۱،۰۸۰	۱،۳۵۰
هزینه صادرات (دلار به ازای هر کانتینر- واقعی) ^۵	۱،۱۶۶	۱،۰۸۰	۱،۳۵۰
تعداد اسناد مورد نیاز برای واردات	۸	۴	۱۱
زمان مورد نیاز برای واردات	۲۳.۸	۹.۶	۳۷.۰
هزینه واردات (دلار به ازای هر کانتینر)	۱،۳۰۷	۱،۱۰۰	۱،۵۵۵
هزینه واردات (دلار به ازای هر کانتینر- واقعی)	۱،۳۰۷	۱،۱۰۰	۱،۵۵۵

منبع: بانک جهانی- گزارش Doing Business 2015

مطابق جدول فوق، تعداد اسناد مورد نیاز، زمان و هزینه صادرات و واردات ایران از متوسط کشورهای عضو OECD بیشتر و از متوسط کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا کمتر است.

تجارت و رشد اقتصادی

بر اساس آخرین آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ا، صادرات کالا و خدمات طی نه ماهه نخست سال ۱۳۹۳، با رشد ۱۰،۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل مواجه بوده و از ۲۶۶ هزار میلیارد ریال در نه ماهه نخست سال ۱۳۹۲ به ۲۹۴ هزار میلیارد ریال در پایان فصل سوم سال ۱۳۹۳ رسیده است (بر اساس قیمت های ثابت سال ۱۳۸۳).^۶

رشد مثبت صادرات کالا و خدمات طی بازه زمانی مذکور با رشد منفی واردات این گروه همراه بوده است. واردات کالا و خدمات طی سه فصل نخست سال ۱۳۹۳، به حدود ۱۹۳ هزار میلیارد ریال رسیده است که بیانگر کاهش ۲ هزار میلیارد ریالی واردات کالا و خدمات نسبت به مدت مشابه سال ۱۳۹۲ می باشد.

خالص صادرات به عنوان یکی از اقلام مهم تعیین کننده در رشد تولید ناخالص داخلی، از سال ۱۳۸۸ تاکنون سهم مثبتی در رشد اقتصادی کشور داشته است (نمودار ۱). در سال ۱۳۹۲، تنها عامل مثبت اثر گذار بر سهم خالص صادرات در رشد تولید ناخالص داخلی، با افزایش قابل ملاحظه ای همراه بوده است.

^۵ deflated US\$ per container

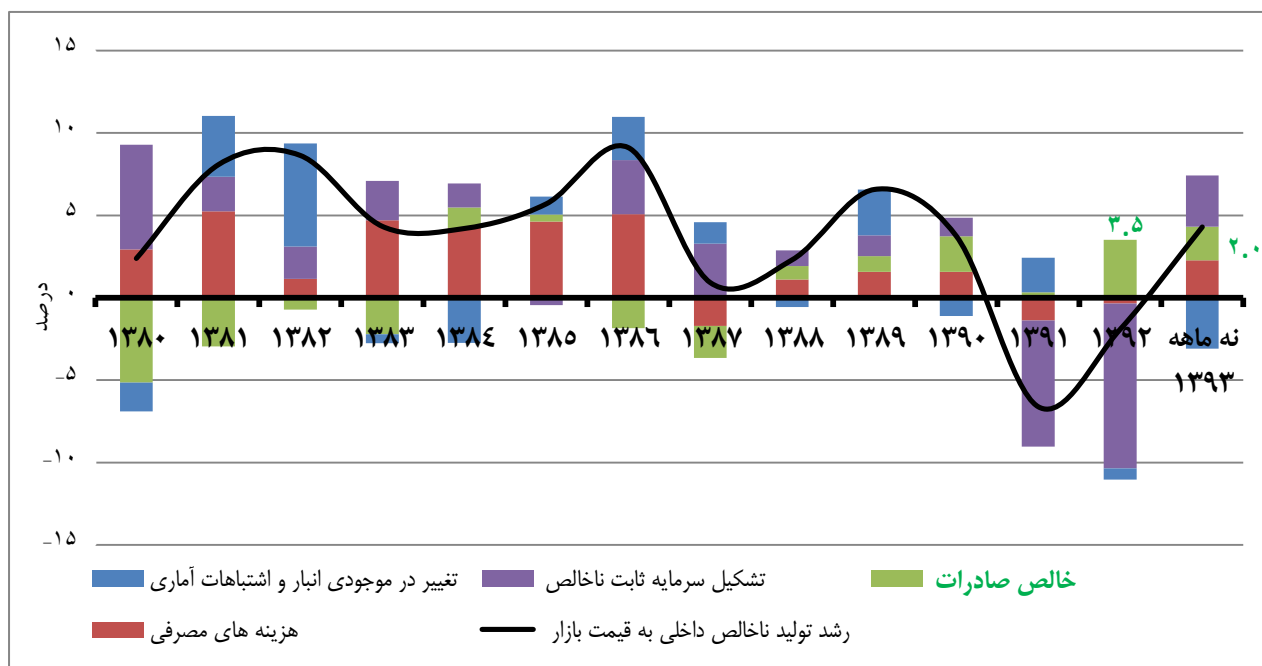
^۶ ارقام گرد شده است.

معاونت بررسی های اقتصادی

بر اساس آخرین آمارهای موجود، طی نه ماهه نخست ۱۳۹۳، خالص صادرات سهم ۲ واحد درصدی در رشد ۴,۳ درصدی تولید ناخالص داخلی (به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۳) داشته است.

در نمودار ۱، سهم چهار گروه تعیین کننده اقلام هزینه نهایی تولید ناخالص داخلی در رشد اقتصادی به همراه سهم هر یک از آنها در تولید ناخالص داخلی طی سال ۱۳۸۰ تا نه ماهه نخست سال ۱۳۹۳ نشان داده شده است.

نمودار ۱- رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار و سهم اقلام هزینه از رشد به واحد درصد (به قیمت های ثابت سال ۱۳۸۳)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا- نماگرهای اقتصادی

صادرات و واردات کالا

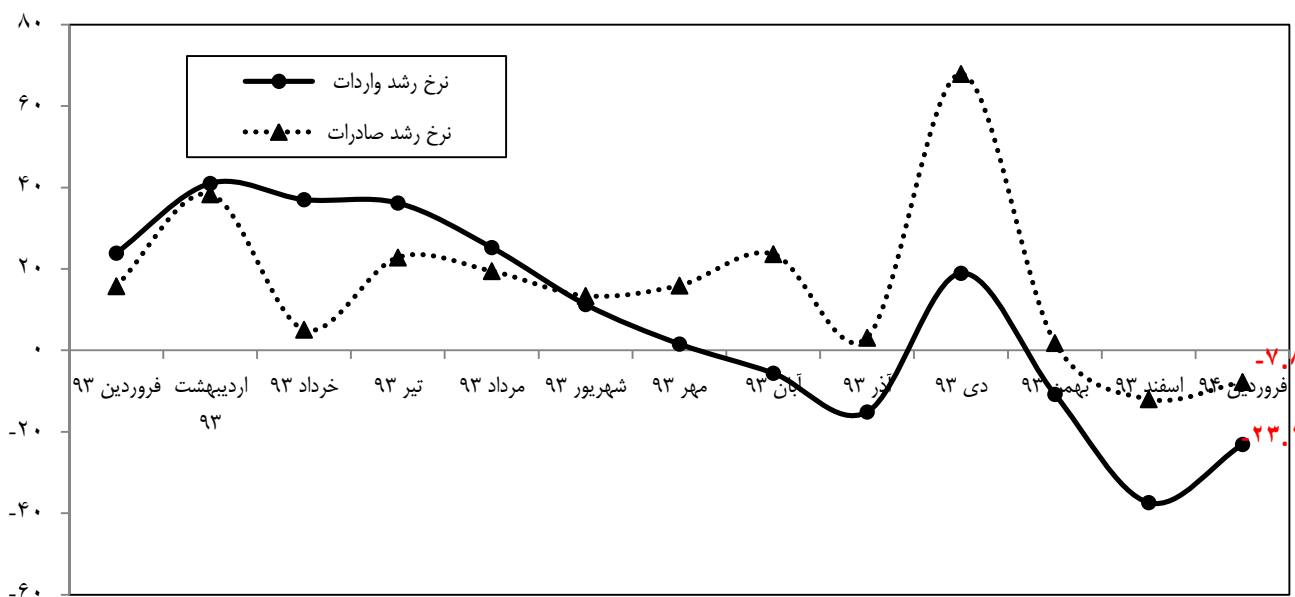
گمرک ج.ا.ا میزان صادرات غیرنفتی را در سال ۱۳۹۳، ۴۹,۷ میلیارد دلار برآورد کرده که نسبت به سال پیش از آن ۱۸,۸۷ درصد افزایش داشته است. در سال مذکور، ۵۲,۴ میلیارد دلار کالا به کشور وارد شده که نسبت به سال گذشته با رشد ۵,۵۷ درصدی همراه بوده است.

بر مبنای آخرین آمار سازمان مذکور، میزان صادرات غیرنفتی نخستین ماه سال ۱۳۹۴، ۲,۷ میلیارد دلار بوده که نسبت به ماه مشابه سال قبل ۷,۷ درصد کاهش داشته است (نمودار ۲). عامل مسلط در رشد منفی صادرات غیرنفتی فروردین ماه ۱۳۹۴، کاهش ۳۵ درصدی صادرات میعانات گازی بوده که ناشی از تنزل قیمت های جهانی و کاهش قیمت نفت خام است. صادرات محصولات پتروشیمی به عنوان تنها عامل محرک با اثر مثبت در تغییر صادرات کالایی فروردین ماه، با رشد ۱۹ درصدی نسبت به ماه نخست سال ۱۳۹۴ همراه بوده است.

ارزش دلاری واردات نیز با کاهش ۲۳ درصدی نسبت به ماه مشابه سال قبل به حدود ۱,۹ میلیارد دلار در فروردین ماه ۱۳۹۴ رسیده است (نمودار ۲).

معاونت بررسی های اقتصادی

نمودار ۲- نرخ رشد نقطه به نقطه (نسبت به مدت مشابه سال قبل) صادرات و واردات غیر نفتی ایران طی سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴



منبع: آمار گمرک ج.ا.ا.

چنانچه صادرات میعانات گازی از مجموع کل صادرات کسر گردد، **تراز بازرگانی** کشور با احتساب ۲٫۲ میلیارد دلار صادرات و ۱٫۹ میلیارد دلار واردات در فروردین ماه سال ۱۳۹۴، حدود ۲۳۷ میلیون دلار به نفع صادرات غیر نفتی خواهد بود.

بر اساس آمار بانک مرکزی ج.ا.ا، میزان **صادرات و واردات غیر نفتی** طی نه ماهه نخست سال ۱۳۹۳، به ترتیب ۲۲٫۵ و ۴۲٫۸ میلیارد دلار برآورد شده است که مبین **تراز بازرگانی غیر نفتی** ۲۰٫۲ میلیارد دلاری به نفع واردات می باشد. این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۶ درصد کاهش یافته است.

شاخص بهای کالاهای صادراتی

شاخص بهای کالاهای صادراتی یکی از انواع شاخص های قیمتی است که تغییرات سطح عمومی قیمت کالاهای غیرنفتی صادراتی را نشان می دهد. بر اساس آمار بانک مرکزی شاخص مذکور در فروردین ماه سال ۱۳۹۴ به ۲۴۳٫۹ واحد رسیده و نسبت به ماه قبل (اسفند سال ۱۳۹۳) ۳٫۴ درصد کاهش یافته است. شاخص بهای کالای صادراتی چهار ماه متوالی **رشد منفی** را تجربه کرده است. رشد نقطه به نقطه این شاخص نیز در ماه نخست سال ۱۳۹۴، **منفی ۱۲٫۳ درصد** می باشد.

مهم ترین دلایل کاهش این شاخص را می توان در "تغییرات قیمت کالاهای صادر شده در بازار جهانی" و "نوسانات نرخ آزاد ارز" (به دلیل تبدیل قیمت کالاهای صادراتی به ریال در محاسبه شاخص) جست و جو کرد. آمارها نشان می دهد **ارزش محصولات پتروشیمی** که حدود نیمی از وزن شاخص بهای صادراتی را تشکیل می دهد، نسبت به فروردین ماه سال گذشته ۲۳ درصد کاهش یافته است. کاهش ارزش کالاهای پتروشیمی به دلیل کاهش قیمت نفت در بازارهای جهانی در حالی رخ داده که بر اساس آمار بانکی نرخ آزاد دلار در فروردین ماه سال جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل معادل ۹/۶ درصد افزایش یافته است، اما عامل افت قیمت جهانی محصولات صادراتی به مراتب بر افزایش قیمت ارز غلبه کرده و کاهش بهای صادراتی را به دنبال داشته است.

صادرات و واردات خدمات

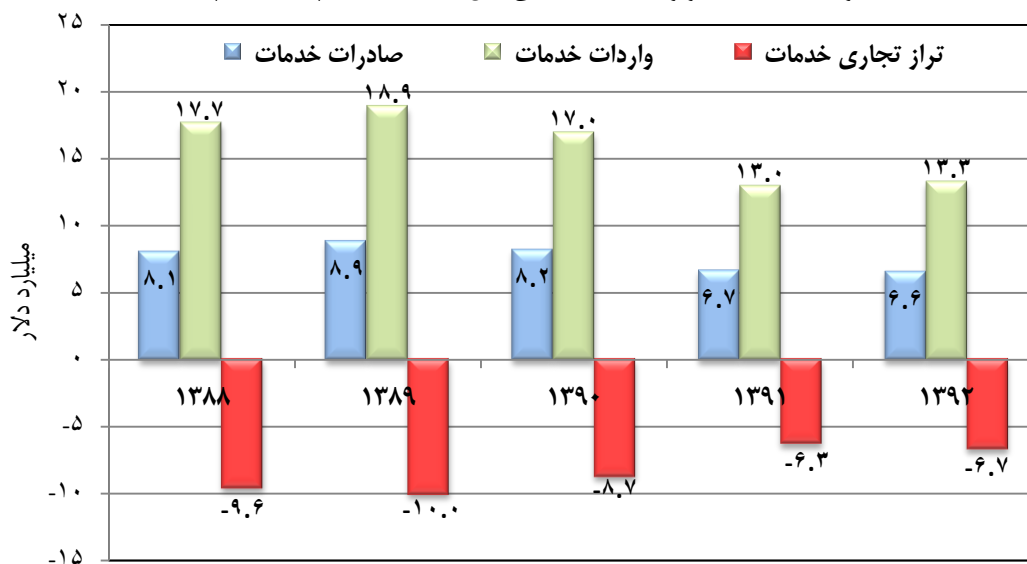
آمارهای بانک مرکزی ج.ا.ا نشان می دهد تراز تجاری خدمات طی سال های ۹۲-۱۳۸۸ همواره منفی بوده است. در سال ۱۳۹۲، **مازاد واردات خدمات** نسبت به صادرات آن معادل **۶ میلیارد و ۶۹۰ میلیون دلار** برآورد شده که نسبت به سال پیش از آن **۶,۳ درصد افزایش** یافته است (نمودار ۳).

در میان اقلام خدماتی سال ۱۳۹۲، تنها تراز تجاری خدمات بیمه ای و ساختمانی مثبت بوده است. **مازاد صادرات** در این بخش ها به ترتیب معادل **۱۳ و ۱۰۸۷ میلیون دلار** می باشد.

میزان **صادرات خدمات** در سال ۱۳۹۲ با **کاهش ۱,۴ درصدی** نسبت به سال پیش از آن همراه بوده و به **حدود ۶ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار** رسیده است. در میان اقلام صادراتی خدمات، **خدمات حمل و نقل** با **حدود ۳ میلیارد دلار**، بیشترین سهم (**۴۳,۳ درصد**) را به خود اختصاص داده است. پس از آن نیز **خدمات ساختمانی و مسافرت** به ترتیب با **حدود ۲۱ و ۲۰ درصد** بالاترین سهم را از صادرات خدمات داشته اند. از مجموع **۱۲۹۴ میلیون دلار** خدمات مسافرتی، **۷۶,۶ درصد** به **خدمات شخصی** و **۲۳,۴ درصد** به **خدمات تجاری** اختصاص داشته است.

علی رغم رشد منفی صادرات خدمات در سال ۱۳۹۲، **واردات** این گروه به لحاظ ارزش دلاری با **رشد ۲۳,۴ درصدی** نسبت به سال قبل از آن مواجه بوده و به **حدود ۱۳ میلیارد و ۲۸۳ میلیون دلار** رسیده است. **بیش از ۵۴ درصد** واردات خدمات در سال ۱۳۹۲ (**حدود ۷ میلیارد و ۲۶۰ میلیون دلار**) مربوط به خدمات مسافرت بوده و بیش از **۴۵ درصد** آن (**حدود ۶ میلیارد دلار**) به **سفرهای شخصی** اختصاص داشته است.

نمودار ۳- صادرات و واردات خدمات طی سال های ۹۲-۱۳۸۸ (میلیارد دلار)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا- خلاصه تحولات اقتصادی

وضعیت نظام تعرفه ای کشور

تعرفه^۷، عوارض گمرکی^۸ مرتبط با واردات کالا است که برای کالاهای تولیدی داخل کشور نسبت به کالاهای وارداتی، مزیت قیمتی ایجاد می نماید و درآمد دولت را نیز افزایش می دهد^۹. ساختار تعرفه گذاری کشورهای مختلف متناسب با سیاست گذاری های هر کشور، متفاوت خواهد بود.

وضعیت نظام تعرفه ای ایران از دو منبع قابل بررسی است. از یک سو، سازمان تجارت جهانی^{۱۰} در گزارش های سالانه اش، امکان مقایسه ساختار تعرفه ای کشورهای مختلف را فراهم می آورد و از سوی دیگر، بر اساس اخبار و مندرجات کتاب مقررات صادرات و واردات، می توان آمارهایی را در این خصوص ارائه نمود.

مهم ترین شاخص هایی که در خصوص وضعیت نظام تعرفه ای کالا می توان مطرح نمود، عبارتند از:

میانگین ساده تعرفه^{۱۱}:

این مقدار برابر میانگین ساده تعرفه های ارزشی یا معادل های آن (میانگین عوارض گمرکی خطوط تعرفه شش رقمی HS) است.

کل محصولات:

بر اساس آخرین گزارش سازمان تجارت جهانی^{۱۲}، میانگین ساده تعرفه ایران در سال ۲۰۱۱ معادل ۲۶,۶ درصد برآورد شده است. این رقم در مقایسه با میانگین ساده تعرفه سایر کشورها در سطح نسبتاً بالایی قرار دارد. در میان ۱۵۹ کشور عضو سازمان تجارت جهانی و تعدادی از کشورها و مناطق گمرکی دیگر، تعرفه کالاهای وارداتی به ایران پس از کشور باهاما (۳۵,۲ درصد در سال ۲۰۱۳) دارای بالاترین میانگین ساده تعرفه هستند. کشورهای ترکیه، مالزی، جمهوری کره، اندونزی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا به ترتیب دارای میانگین ساده تعرفه ۱۰,۸ ، ۶ ، ۱۳,۳ ، ۶,۹ ، ۴,۷ ، ۳,۴ درصد در سال ۲۰۱۳ بوده اند. به نظر می رسد ایران بیش از سایر کشورها از ابزار تعرفه ای برای حمایت از تولید محصولات داخلی خود استفاده کرده است.

بر مبنای مندرجات کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۳، میانگین ساده نرخ تعرفه (حقوق ورودی) در سال ۱۳۹۳، برابر ۱۹,۶۵ درصد می باشد که این رقم کاهش جزئی در مقایسه با میانگین نرخ تعرفه در پایان سال ۱۳۹۲ (برابر با ۱۹,۷۶ درصد) را نشان می دهد.

^۷ Tariffs

^۸ Customs Duties

^۹ http://www.wto.org/english/tratop_e/tariffs_e/tariffs_e.htm

^{۱۰} World Trade Organization (WTO)

^{۱۱} Simple average

^{۱۲} World Tariff Profiles 2014

معاونت بررسی های اقتصادی

محصولات کشاورزی:

بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی، میانگین ساده تعرفه محصولات کشاورزی ایران در سال ۲۰۱۱ معادل ۳۰,۴ درصد برآورد شده است. این مقدار برای کشورهای ترکیه، مالزی، جمهوری کره، اندونزی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا به ترتیب برابر ۴۲,۴، ۸,۹، ۵۲,۷، ۷,۵، ۵,۵ و ۵,۳ درصد در سال ۲۰۱۳ می باشد. به نظر می رسد کشورهای مصر، جمهوری کره، نروژ و ترکیه بیش از سایر کشورها از ابزار تعرفه برای حمایت از بخش کشاورزی خود استفاده می کنند.

نتایج مطالعات دفتر نمایندگی تجاری ایران در سازمان توسعه تجارت نشان می دهد میانگین تعرفه محصولات کشاورزی در سال ۱۳۹۳، معادل ۲۸,۸۳ درصد بوده که نسبت به سال پیش از آن (۲۸,۸۷ درصد) تغییر چندانی نداشته است.

محصولات صنعتی:

بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی، ایران بالاترین میانگین تعرفه محصولات صنعتی (۲۶,۱ درصد در سال ۲۰۱۱) را نسبت به سایر کشورها به خود اختصاص داده است. این مقدار برای کشورهای ترکیه، مالزی، جمهوری کره، اندونزی، امارات متحده عربی و ایالات متحده آمریکا به ترتیب برابر ۵,۵، ۵,۵، ۶,۸، ۶,۷، ۴,۶ و ۳,۱ درصد در سال ۲۰۱۳ می باشد. به نظر می رسد بسیاری از کشورها برای محصولات کشاورزی خود نسبت به محصولات صنعتی تعرفه بالاتری در نظر گرفته اند، اما در ایران میانگین ساده تعرفه محصولات کشاورزی و صنعتی تفاوت چندانی ندارد.

نتایج مطالعات دفتر نمایندگی تجاری ایران در سازمان توسعه تجارت نشان می دهد میانگین تعرفه محصولات صنعتی در سال ۱۳۹۳، ۱۸,۲۴ درصد بوده که نسبت به سال قبل از آن ۰,۱۹ درصد کاهش داشته است.

میانگین موزون تعرفه^{۱۳}:

میانگین موزون تعرفه، نسبت درآمد گمرکی به ارزش واردات هر کشور است؛ در واقع این مقدار همان میانگین تعرفه هاست که بر اساس ارزش واردات موزون شده است.

آخرین آماري که در خصوص میانگین موزون تعرفه کشور ایران از سوی سازمان تجارت جهانی اعلام شده است، مربوط به سال ۲۰۱۰ می باشد. این نرخ در سال مذکور معادل ۱۴,۸ درصد گزارش شده است. میانگین موزون تعرفه گمرکی کشورهای ترکیه، مالزی، جمهوری کره، اندونزی و ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۳ به ترتیب معادل ۵,۲، ۴,۳، ۷,۷، ۴,۷ و ۲,۱ درصد می باشد.

بر اساس گزارش بانک مرکزی و آمارهای گمرک ج.ا.ا، میانگین موزون تعرفه طی سال های ۱۳۸۸ تا یازده ماه ۱۳۹۳ به صورت جدول ۲ محاسبه شده است.

^{۱۳} Trade weighted average

معاونت بررسی های اقتصادی

جدول ۲- میانگین موزون تعرفه کل کالایی طی سال های ۹۳-۱۳۸۸

سال	مالیات بر واردات (هزار میلیارد ریال)	ارزش واردات گمرکی (هزار میلیارد ریال)	میانگین موزون تعرفه ها
۱۳۸۸	۶۲,۵	۵۴۷,۹	۱۱,۴۲٪
۱۳۸۹	۷۷,۸۸	۶۶۴,۷	۱۱,۷۲٪
۱۳۹۰	۷۸,۹۲	۶۷۳,۰۴	۱۱,۷۳٪
۱۳۹۱	۷۶,۴۰	۸۳۳,۱	۹,۱۷٪
۱۳۹۲	۸۰,۳۹	۱۲۳۱,۲	۶,۵۳٪
یازده ماهه ۱۳۹۳	۸۹,۹	۱۲۶۶,۴	۷,۱٪

منبع: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا و آمار گمرک ج.ا.ا.

همان گونه که اشاره شد، میانگین موزون تعرفه ها که یکی از شاخص های تعیین کننده وضعیت تعرفه ای کشور است، از نسبت درآمد گمرکی (مالیات بر واردات) بر ارزش واردات به دست می آید. ارقام مندرج در جدول ۲ نشان می دهد که این ارقام طی سال های اخیر (تا سال ۱۳۹۲) رو به کاهش بوده است. لازم به ذکر است میانگین موزون تعرفه در حالی از سوی سازمان تجارت جهانی معادل ۱۴,۸ درصد در سال ۲۰۱۰ اعلام شده که آمارهای بانک مرکزی و گمرک ایران گویای نرخ ۹,۱۷ درصدی برای سال ۱۳۹۱ می باشد.

تعداد طبقات تعرفه^{۱۴}:

بر اساس گزارش سازمان تجارت جهانی^{۱۵}، تعداد طبقات تعرفه ای ایران در سال ۲۰۱۱، برابر با ۲۴ طبقه اعلام شده است. این در حالی است که بر اساس کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۳، تعداد طبقات حقوق ورودی ایران، ۱۴ طبقه می باشد که در فاصله ۴ درصد تا ۱۰۰ درصد قرار گرفته اند. بنابر کتاب مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۹۴ که از سوی سازمان توسعه تجارت منتشر شده، طبقات تعرفه ای واردات در سال ۹۴ از ۱۴ طبقه به ۱۰ طبقه کاهش یافته است. همچنین در سال ۹۴، کمترین طبقه تعرفه ای واردات ۴ درصد و بالاترین نرخ تعرفه نیز ۷۵ درصد خواهد بود.

بر اساس آخرین گزارش سازمان تجارت جهانی، تعداد طبقات تعرفه در اتحادیه اروپا و امریکا تفاوت قابل ملاحظه ای با سایر کشورها دارد. تعداد طبقات تعرفه در اتحادیه اروپا و ایالات متحده امریکا به ترتیب معادل ۱۱۶۳ و ۱۱۴۳۴ طبقه است که نسبت به کشورهایمانند ترکیه (۲۲۱ طبقه تعرفه)، جمهوری کره (۱۱۱ طبقه تعرفه)، مالزی (۷۱ طبقه تعرفه) و اندونزی (۴۸ طبقه تعرفه) در سطح بالایی قرار دارد. برخی از کارشناسان علت بالابودن تعداد طبقات تعرفه برخی از کشورها را در افزایش قدرت مانور آنها در مذاکرات تجاری عنوان می کنند که یافتن چرایی بالا بودن طبقات تعرفه در برخی از اقتصادها به ویژه اقتصادهای توسعه یافته نیاز به بررسی دقیق سیاست های تجاری و تعرفه ای این کشورها دارد.

^{۱۴} Number of distinct duty rates

^{۱۵} World Tariff Profiles 2013

معاونت بررسی های اقتصادی

شایان ذکر است شاخص های دیگری نیز مانند انحراف استاندارد نسبت به میانگین تعرفه ها، سهم تعرفه های با نرخ بالاتر از پیک بین المللی تعرفه (۱۵٪)، سهم تعرفه های با نرخ بالاتر از پیک ملی (سه برابر میانگین ساده تعرفه)، سهم تعرفه های معاف و یا سهم تعرفه های مبتنی بر سهمیه های مقداری نیز در ارائه تصویر مشخص تری از وضعیت نظام تعرفه ای یک کشور اهمیت دارند و بررسی دقیق تر نظام تعرفه یک کشور نیازمند بررسی دقیق و جامع کلیه شاخص های مذکور است.

در مورد نظام تعرفه ای ایران اگرچه اقدامات خوبی در زمینه کاهش نرخ تعرفه های بالا و یا کاهش طبقات تعرفه در دولت یازدهم به عمل آمده، اما لازم است ضمن شفاف تر نمودن نظام تعرفه ای کشور، از معیارهای مناسبی برای هدف گذاری اصلاح نظام تعرفه ای کشور استفاده شود به عنوان نمونه؛ بهتر است از گزینه های متوازن سازی تعرفه ها و کاهش انحراف استاندارد به جای کاهش صرف میانگین ساده یا طبقات تعرفه بهره جست.

ضرورت الحاق به سازمان جهانی تجارت

- الحاق به سازمان تجارت جهانی پیش شرط اساسی دسترسی با ثبات به بازارهای جهانی و منطقه ای است.
- اکثر کشورهای منطقه یا عضو سازمان هستند و یا زودتر از ایران عضو خواهند شد که این می تواند به کاهش جدی دسترسی ایران به بازارهای منطقه بیانجامد.
- تجارت چندجانبه زمینه ساز بهبود شاخص های رقابت پذیری، بهره وری، شفافیت و فضای کسب و کار خواهد بود.
- پیروی از قواعد سازمان تجارت جهانی مانع از عدم اعمال شفافیت در نظام تعرفه ای و اتخاذ رویه هایی مانند افزایش غیر منطقی تعرفه واردات برای گروه کالایی خاص در چارچوبی غیر شفاف و عدم درج آن در کتاب مقررات صادرات و واردات کشور، می گردد.
- افزایش سهم ایران در زنجیره ارزش افزوده تجاری منجر به ایجاد پتانسیل های جذب سرمایه گذاری خارجی خواهد شد.
- الحاق به سازمان تجارت جهانی در راستای رفع موانع صادرات غیر نفتی موثر خواهد بود.
- الحاق منجر به استانداردسازی محصولات صادراتی و وارداتی به لحاظ کیفیت و نظام تعرفه ای خواهد شد.
- عدم اتکا به صادرات نفتی از طریق آزاد سازی تجارت (هم در بخش کالا و هم خدمات) میسر می شود.
- الحاق به سازمان تجارت جهانی منجر به اصلاح نظام تعرفه ای کشور خواهد شد که یکی از مهم ترین دستاوردهای آن کاهش و تثبیت سقف تعرفه های وارداتی به همراه کاهش پراکندگی تعرفه های تمامی خطوط تعرفه ای خواهد بود.

منافع حاصل از عضویت کشورهای در حال توسعه

تجارت عامل اصلی توسعه در قرن بیست و یکم به شمار می رود. این موضوع اهمیت مقررات و قواعد سازمان تجارت جهانی را بیش از پیش آشکار می سازد. کشورهای در حال توسعه از طریق تجارت امکان بهره گیری از فرصت های ایجاد شده در بازارهای جدید نوظهور را خواهند داشت. آنها می توانند با هزینه های پایین تری از طریق زنجیره ارزش جهانی، وارد بازارهای بین المللی شوند و به وسیله قیمت های بالاتر جهانی کالاها به نتایج بهتری دست یابند.

معاونت بررسی های اقتصادی

بنابر گزارش سازمان تجارت جهانی^{۱۶}، پیوستن کشورها به این سازمان از چهار مسیر به کشورهای در حال توسعه کمک کرده است:

افزایش جهان در حال توسعه:

درآمد کشورهای در حال توسعه رو به همگرایی با کشورهای ثروتمند است. به طوری که؛ طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴، تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای در حال توسعه ۴,۷ درصد رشد کرده است (مخصوصاً کشورهای در حال توسعه عضو گروه ۲۰^{۱۷})؛ در حالی که تولید ناخالص داخلی کشورهای توسعه یافته ۰,۹ درصد رشد داشته است. بنابراین، در حال حاضر کشورهای در حال توسعه بیش از نیمی از تولید جهان را در اختیار دارند. (بر اساس برابری قدرت خرید).

توسعه تجارت منافع درآمدهای کشورهای در حال توسعه را تضمین می کند. سهم کشورهای در حال توسعه در تجارت جهانی طی سال های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ از ۳۳ درصد به ۴۸ درصد افزایش یافته است.

در طول چند دهه اخیر، کشورهای در حال توسعه ای که تعرفه های خود را کاهش داده اند، توانسته اند به توسعه تجارت دست یابند. متوسط کاهش نرخ تعرفه در میان کشورهای عضو گروه ۲۰ بیشتر بوده است.

افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه در زنجیره ارزش جهانی^{۱۸}:

کشورهای در حال توسعه به طور فزاینده ای وارد شبکه تولید جهانی از جمله صادرات خدمات شده اند. مشارکت در زنجیره ارزش افزوده جهانی، موجب افزایش بهره وری، انتقال دانش و تکنولوژی می شود. کشورهایی با مشارکت بالاتر در زنجیره ارزش افزوده جهانی، نرخ رشد بالاتری را تجربه خواهند کرد. موانعی که کشورهای در حال توسعه برای مشارکت در زنجیره ارزش افزوده جهانی با آن روبه رو هستند، شامل موانع گمرکی و زیرساختی می شود که رفع موانع مذکور باید در الویت قرار گیرند.

قیمت بالاتر کالا:

قیمت مواد غذایی، انرژی، فلزات و مواد معدنی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۴ تقریباً دو برابر شده است. یکی از دلایل پایداری قیمت بالای کالاهای استراتژیک، تقاضای بالای کشورهای در حال توسعه بزرگ، عنوان می شود. شایان ذکر است که با توجه به ارتقاء تکنولوژی در زمینه افزایش تولید نفت خام به ویژه از محل تولید نفت شل، قیمت برخی از نهادهای تولید از نیمه سال ۲۰۱۴ به بعد کاهش قابل توجهی یافته است.

چالش ها و فرصت هایی که از قیمت های بالا ناشی می شود، به طور معناداری در کشورهای مختلف متفاوت خواهد بود. بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نظر مصرف، تولید و اشتغال دارای اهمیت است. این امر بیانگر نقش مهم بخش کشاورزی در استراتژی های توسعه در جهان در حال توسعه می باشد، اما افزایش قیمت محصولات این بخش چالش هایی را برای واردکنندگان صرف این کالاها به وجود می آورد.

کشورهای در حال توسعه طی سال های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ سهم خود را در صادرات جهانی محصولات کشاورزی از ۲۷ درصد به ۳۶ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش داده اند. تجارت در منابع طبیعی به شدت رشد کرده است (هم به

^{۱۶} World Trade Report, 2014

^{۱۷} گروه ۲۰، متشکل از بزرگترین اقتصادهای نوظهور و پیشرفته دنیاست که در مجموع دوم سوم جمعیت جهان، ۸۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان و بیش از ۷۵ درصد تجارت جهانی را در اختیار دارند. بیست عضو این گروه عبارتند از: آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، چین، فرانسه، آلمان، هند، اندونزی، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، روسیه، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، جمهوری کره، ترکیه، انگلستان، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا.

^{۱۸} Global value chains (GVCs)

معاونت بررسی های اقتصادی

لحاظ ارزشی و هم از نظر وزنی). کشورهای ثروتمند متعددی در نهایت به رشد بالایی دست یافته اند، اما اثرات محیطی استخراج منابع نیز به اندازه تنوع سازی اقتصاد برجای می ماند.

ارتقاء هماهنگی در جهانی سازی شوک های اقتصاد کلان:

به هنگام بحران اقتصاد جهانی ۲۰۰۸-۹، ارزش تجارت جهانی در طول چند ماه بیش از ۳۰ درصد کاهش یافت. این رویداد، وابستگی کشورهای در حال توسعه به تحولات جهانی را نشان داد که منشا اصلی آن کشورهای توسعه یافته بودند. هماهنگی میان رکود و رونق بازار در سراسر جهان نشان دهنده وابستگی قوی میان کشورها به واسطه ارتباط بین تامین مالی و تجارت است. از آنجا که تجارت به منابع مالی وابسته است، هرگونه بحرانی از منظر مالی، تجارت را نیز تحت تاثیر قرار خواهد داد.

با وجود صدمات ناشی از بزرگترین بحران اقتصادی دهه ۱۹۳۰، در بحران اقتصادی بعدی (سال ۲۰۰۸-۹) جهان مجدداً روی آوردن کشورها به سیاست های تجاری حمایت گرایی را تجربه نکرد. علت این رویداد را می توان در قوانین تجاری چندجانبه، اثربخشی اقدامات نظارتی سازمان تجارت جهانی، پیش بینی کشورها از اثرات زیان باری که حمایت گرایی به مشارکت آنها در زنجیره ارزش جهانی وارد می کند و پاسخ کلان هماهنگ و بین المللی به بحران مالی (به واسطه سازمان تجارت جهانی) جست و جو کرد.

زمانی که قواعد جهانی بر کشورها حاکم است، مانعی برای اقدامات یک جانبه کشورها در راستای اعمال روش های حمایتی به ویژه تعرفه ای وجود خواهد داشت. مقررات سازمان تجارت جهانی مانع از این شد تا در خلال بحران مالی اخیر، برخی از کشورها بتوانند از طریق تحمیل هزینه های تجاری خود بر سایر کشورها و افزایش حمایت های تعرفه ای، اقدام کنند. علاوه بر این، در شرایطی که شوک های مالی دامن گیر اقتصاد یک کشور می شود، استمرار اعمال اقدامات حمایتی، علی رغم ایجاد شرایط ظاهری از بهبود موقتی در سطح پایینی از رشد اقتصادی، در بلند مدت هزینه هایی را بر اقتصاد تحمیل نموده حتی می تواند منجر به تعمیق بحران و بروز شرایط رکود شود.

قرار گرفتن کشورها در زنجیره ارزش جهانی به هنگام وقوع بحران جهانی از منظری دیگر نیز قابل تامل است. کشورهایی که به هنگام وقوع بحران در زنجیره ارزش قرار ندارند، از تجارب کشورهایی که در این شرایط قرار داشته و تلاش هایشان برای برون رفت از آن موفقیت آمیز بوده است، بی بهره می مانند و ضمن متحمل شدن هزینه ناشی از بحران مالی جهانی به واسطه عدم یادگیری، برگشت آنها به شرایط عادی، دشوار تر و آسیب پذیری شان در برابر شوک های خارجی از جمله بحران های بعدی احتمالی افزایش خواهد یافت.

عاطفه قاسمیان

خرداد ماه ۱۳۹۴

منابع:

۱. بانک مرکزی ج.ا.ا. (۱۳۹۳)، "نماگرهای اقتصادی"، شماره ۷۸.
۲. بانک مرکزی ج.ا.ا. (۱۳۹۳)، "خلاصه تحولات اقتصادی کشور ۱۳۹۲"، اداره بررسی های اقتصادی.
3. Lamy, P. (2000), "The link between Trade and Development. What role for the EU Trade Policy?"; AIF Conference, European Commission.
4. World Bank Group. (2014), "Doing Business 2015", 12th edition.
5. World Trade Organization. (2014), "World Tariff Profiles 2013", Switzerland.
6. World Trade Organization. (2014), "World Trade Report 2014", Switzerland.
7. <http://www.irica.gov.ir> (آمارهای گمرک ج.ا.ا. - ۲ خرداد ۱۳۹۴)
8. https://www.wto.org/english/thewto_e/acc_e/a1_iran_e.htm (24 may 2015)
9. http://www.wto.org/english/tratop_e/tariffs_e/tariffs_e.htm (19 may 2015)